

کارشناسان می‌گویند ایران امکان‌های متنوعی برای تولید قدرت علیه صهیونیست‌ها دارد

تنبیه جانی در منطقه خاکستری؟



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

بعد از خطبه‌های نماز عید فطر بهر انقلاب و تأکید روی این موضوع که حمله به سفارت به مثابه حمله به خاک آن کشور است و اسرائیل باید تنبیه شود، در این چند روز اسرائیل در شرایط اضطراری به سر می‌برد، مرخصی نیروهای ارتش لغو شده و در آماده‌باش کامل به سر می‌برند. سوال اصلی اما همچنان پابرجاست؛ ایران قرار است چطور به حمله اسرائیل پاسخ دهد؟ برخی تحلیلگران معتقدند پاسخ ایران همه جانبه خواهد بود. برخی نیز از لزوم پاسخ مستقیم و سریع ایران به اسرائیل صحبت می‌کنند. از طرفی برخی هم این گزاره را مطرح می‌کنند که اسرائیل آنقدر پاسخ احتمالی ایران را بزرگ کرده که هر پاسخ ایران، به چشم نیاید. برای بررسی ابعاد مختلف پاسخ ایران به اسرائیل با مهدی خراتیان، مدیر اندیشکده احیای سیاست گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

■ پاسخ ایران باید برای جامعه اسرائیل تبعات داشته باشد

خراتیان در ابتدا به این نکته اشاره کرد که عقب افتادن زمان پاسخ به حمله به کنسولگری ممکن است باعث از دست رفتن فرصت هاشود و گفت: «حمله اسرائیل به کنسولگری از منظر حقوق بین الملل، یک دست بازی برای اقدامات تلافی جویانه سنگین در اختیار ما قرار داده با توجه به اینکه اسرائیلی‌ها حمله را مستقیما و رسما گردن نگرفتند، پاسخ ما باید در حوزه خاکستری می‌بود. یعنی باید یک پاسخ قاطع و کوبنده بدون پذیرفتن مسئولیت انجام می‌دادیم ولی با توجه به حمله به کنسولگری که ما را در یک موضع مظلوم از لحاظ حقوقی قرار داد و مطمئنا اگر در روزهای اول یا حداقل فردای پس از جلسه شورای امنیت که به موفقیت منجر نشد، این کار را می‌کردیم، همه از منظر حقوق بین الملل به ما حق می‌دادند اما الان با تماس‌های تلفنی مکرری که بین وزرای خارجه انگلیس، آلمان، عربستان، ترکیه و وساطت چینی‌ها مطرح شده و سفر امیرعبداللهیان به مسقط و پیغام و پیغام‌هایی که بین ما و آمریکایی‌ها رد و بدل شد و با جنگ روانی وسیعی که رسانه‌ها به راه انداختند، آنها تلاش کردند مساله کنسولگری را به حاشیه بپزند. مثلاً آقای مکرون در صحبت با امیرعبداللهیان و بقیه به گونه‌ای موضوع را مطرح می‌کند که انگار ایران در حال به خطر انداختن صلح و امنیت جهانی است. این جنگ روانی که به راه افتاده در همین جهت است که گویی ایران کشوری است که دندان تیز کرده که به اسرائیلی‌ها حمله کند. کسی هم دیگر خیلی از اتفاق کنسولگری صحبت نمی‌کند. همه از حمله ایران صحبت می‌کنند. شاید برای بعضی از آقایان این تصور به وجود آمده که بایین حالت کژدار و مزیز سپری کردن و اسرائیلی‌ها را در خماری حمله نگه داشتن و فضای سنگینی را ایجاد کردن، تنبیهی محسوب می‌شود. این یکی از نظریاتی است که مطرح است که به نظرم حرف غلطی است. با توجه به تأکید فرمانده کل قوا یعنی براینکه کنسولگری جزء خاک ماست، به خاک ما حمله شده است. طبیعتا حرفی که حضرت آقا در نماز عید فطر مطرح کردند معنایی جز پاسخ و حمله به خاک اسرائیل ندارد. البته ما چیزی تحت عنوان خاک اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم و همان اراضی ۱۹۴۸ منبسات ولی اراضی ۱۹۴۸ باید هدف قرار بگیرد. وقتی حضرت آقا چنین تعبیری به کار می‌برند، جواب اراضی اشغالی ۱۹۴۸ است اما اینکه پاسخ از ایران باشد، محل بحث است. معتقدم باید از همان سوریه و از مناطق مرزی سوریه و عراق و مناطق حائل حمله کرد. حمله‌ای بدون پذیرش و خارج از خاک ایران اما قاطعانه و ترجیحا به شریان‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی صورت گیرد. چیزی که رژیم را به هم بریزد یا سلاح‌هایی که تا به حال انجام نشده و در عین حال ردی از ما به جای نگذاشته باشد. تأکید من این است که نباید تبعات حقوقی چنین اقدامی را بپذیریم، همان طور که آنها نپذیرفتند اما حمله باید درنکات باشد و برای جامعه اسرائیل تبعات داشته باشد.

■ توقیف کشتی را نمی‌توان تنها پاسخ ایران به حمله به کنسولگری دانست

خراتیان در ادامه درباره اینکه آیا توقیف نفتکش‌را می‌توان در راستای پاسخ ایران تحلیل کرد، نیز گفت: «توقیف کشتی ارتباطی به پاسخ حمله به ایران ندارد. این کاری است که ما همیشه امکان آن را داشتیم، داریم و کشتی‌های اسرائیلی را پیش از این هم زدیم، نزدیک هند هم زدیم، سفر جاشینکا به ایران بخشی به این اتفاق برمی‌گردد. ما در این ماجرا دست بالا را داریم و همیشه هم داشتیم و خواهیم داشت. کشتی انگلیسی را هم توقیف کردیم. ما در یک جنگ منطقه خاکستری با سیستم نظامی و اطلاعاتی اسرائیل، تغییر موازنه به سمت طرف اسرائیلی را تحلیل می‌کنیم که قضیه توقیف کشتی ارتباطی به آن پیدا نمی‌کند. آن در جایی دیگر است و اگر کسی فکر می‌کند با توقیف کشتی این موضوع حل فصل می‌شود، سخت در اشتباه است. کما اینکه افرادی فکر می‌کردند حمله به ریزنه موشکی به اربیل و پاکستان موازنه منطقه‌ای چندانى در جنگ به نفع ایران ایجاد نکرد و عملیات راسک به گفته دبیر شورای امنیت شاهد زنده‌ای برای این مساله است. چون اسرائیل چند گروه تروریستی را علیه ما هدایت می‌کند، حالا ما پاکستان را زدیم، چرا باید آسیبی متوجه او شود یا اینکه ما یک کشتی را توقیف کردیم. نمی‌گویم این اقدام بی‌ارزشی است اما حمله‌ای که انجام شده و نفراول نیروی قدس در کنسولگری ایران با یک جمعی را شهید کرده، به هیچ عنوان با توقیف کشتی برابری نخواهد کرد.»

■ حادثه کنسولگری این امکان را فراهم کرده که از موضع قدرت در مورد اقدامات اسرائیل حرف بزنیم

خراتیان در ادامه درباره این موضوع که آمریکا و اسرائیل آنقدر پاسخ ایران را بزرگمایی کردند که هراقدامی ایران انجام دهد کافی نخواهد بود، نیز گفت: «این حرف درستی است. وقتی به طرف مقابل مجال و فرصت و ابتکار عمل می‌دهید، بالاخره آنها هم بیکار نمی‌نشینند. طرف اسرائیلی خطایی کرده و کنسولگری را مورد هدف قرار داده. ما می‌توانیم پاسخی دهیم که همه دنیا بگویند،

«می‌خواستی زنی»، وقتی کنسولگری رامی‌زنی باید انتظار پاسخ دندان شکنی را هم داشته باشی. بماند که سردار زاهدی بحث دیگری دارد اما موضوع کنسولگری یک دستاویز خوب در اختیار ما قرار داد. بهانه خوبی بود که این را بر فرق کسی بگویم که کنسولگری ما را زد و بحثی هم نداریم که خاک من را زدند، هر موقع که اقدامی انجام دادیم، درباره آن بحث می‌کنیم. لحن گفت‌وگوی مکرون با امیرعبداللهیان را ببیند، از موضعی بالا به این موضوع اشاره کرد که من برای طرف ایرانی روشن کردم که نباید جنگ در آن منطقه گسترش پیدا کند. انگار ما بودیم که کنسولگری کشور دیگر را زدیم، لذا عرض من این است وقتی مجال می‌دهید طرف مقابل کار رسانه‌ای انجام دهد و فضا سازی کند، هم دست شما بسته می‌شود هم تأثیری که باید داشته باشد، پیدا نمی‌کند. اینکه بگویم حالا چون اسرائیل نگران این است مردمش در وضعیت تنهایی به سر می‌برند پس ما برگ برنده‌ای داریم، بله این طور است اما به این فکر کنید که یک سال بعد این را می‌گویند که ما کنسولگری ایران را هدف قرار دادیم اما اتفاق چندانى نمی‌افتاد. این جسارت در مردمی که در سرزمین‌های اشغالی زندگی می‌کنند و همچنین سیستم اطلاعاتی آنها ایجاد می‌کند. اگر این ترس ولرزها و افعابی مینابشود، موازنه باز زندگی جابه جایی می‌شود.»

■ واکنش پیش‌بینی نشده، معادل ساز است

مدیر اندیشکده احیای سیاست در مورد اینکه پاسخ ایران در ادامه باید چه باشد، گفت: «فرمول واکنش مشخص است، یعنی هم گروه‌های هماهنگ با ما درگیر باشند و هم ما درگیر باشیم، ما در قبال یک چنین اقدام جسارت‌آمیزی به کنسولگری‌مان مثل قبل رفتار نمی‌کنیم و قبل و بعدش قطعا تفاوت دارد و تفاوت‌شان مشهود است. اگر بخواهید جلوتر ببینید ما هم جلوتر می‌آییم، این اصل فرمول است. نقدی که من کردم این بود که می‌توانیم هزینه را با یک کار به موقع کاهش بدهیم، یعنی کاری کنیم که همه دنیا بعد از آن اتفاقی که ما رقم می‌زدیم و طبق آن فرمولی که من عرض کردم به اسرائیل بگویند حقت بود و دفعه دیگر این کار نکن و بعد هم در محافل بگویند که ایران نه تنها جواب داد بلکه



موازنه را هم تغییر داد. مثل جوابی که حاج قاسم داد. تا جایی که من می‌دانم با طرف سوری صحبت کرد و یک سری موشک به سمت جولان شلیک شد. چون به موقع و غافلگیرکننده بود معادله‌ای درست کرد که مامدت‌ها در سوریه شهید نداشتیم و با اقدام به موقع حاج قاسم بعد از قضیه تی فور، معادله‌ای ساخته شد. کار عجیب و غریبی هم نکردیم، موشکبارانی در مناطق بیابانی جولان انجام شد اما یک معادله ساخته شد. واکنش به موقع معادله ساز است. واکنش پیش‌بینی نشده معادله ساز است. شما مدت‌ها نانش را می‌خورید. اما در واکنش بی‌موقع مدت‌ها کنکش را می‌خورید. یعنی به جای اینکه بگویند ایران پاسخ داد می‌گویند ایران به اسرائیل حمله کرد.»

■ حرف ما این است که ریل‌گذاری را عوض کنیم و موازنه را در منطقه خاکستری تغییر دهیم

خراتیان در ادامه به این موضوع اشاره کرد که ما باید ریل‌گذاری را تغییر دهیم و توضیح داد: «می‌گویم شما باید ریل‌گذاری را تغییر دهید. مسلمانا معتقدیم که این باید نقطه شروعی برای سلسله اقدامات باشد ولی آن نقطه شروع هم اهمیت دارد. اینکه طرف متوجه بشود که شما ریل را عوض کرده‌اید و تصمیم گرفته‌اید که هر اقدامی را در منطقه خاکستری با جواب قاطعی مواجه کنید، این مساله روشنی است اما یک نقطه شروعی دارد. حمله اینها به کنسولگری یک فرصت بود که ما تغییر ریل را با حداقل هزینه انجام دهیم، به همین بهانه می‌توانستیم چنان وحشتی ایجاد کنیم و دنیا به ما حق بدهد و اسرائیلی‌ها نتوانند به ما جواب بدهند، به خاطر این غلطی که کرده‌اند. در گام‌های بعدی هر آنچه که بخواهند انجام دهند این معادله تکرار خواهد شد. صحبت‌ها مکمل ما است و در تضاد با یکدیگر نیستند. یک چیز فضایی را نباید مینا قرار داد. ما مثلاً می‌توانستیم در منطقه خاکستری، یک خط لوله یا یک پالایشگاه را بزنیم. بعدا هم پیام بدهیم که اگر خط لوله من را منفرج کنید، عین آن را جواب می‌دهم. ما حرف‌مان این است که ریل‌گذاری را عوض کن، موازنه‌ها را در جنگ خاکستری تغییر بده. نقطه شروعش به خاطر کنسولگری می‌تواند پاسخ‌گویی به ماجرای سردار زاهدی باشد.»

بازدارنده نبودن قوانین مربوط به سرقت و زورگیری سبب افزایش سرقت‌های خرد در کلانشهرها شده است

قانون به زورگیرها سخت نمی‌گیرد



زینب مزروقی خبرنگار گروه نقد روز

زدی و سرقت در کلانشهرها، خصوصا تهران مساله یکی، دو سال اخیر نیست. اما افزایش زورگیری‌ها در سطح کلانشهری مانند تهران، دقیقا می‌تواند مساله و چالش هرروز چند سال اخیر باشد. همین چند روز گذشته فیلمی از اتوبان صدر منتشر شد که در آن تعدادی سارق و زورگیر سوار بر موتور گوشی یکی از شهروندانی را سرقت می‌کنند که پشت ماشین و در ترافیک اتوبان بود، سپس روی موتورهایشان می‌نشینند و در حضور پلیس و با وجود اینکه صدای تیرهای هوایی پلیس هم در محدوده می‌پیچید به راحتی فرار می‌کنند.

■ آمار سرقت‌ها صعودی است

در سالنامه آماری ۱۴۰۰ مرکز آمار ایران درکشد نیروی انتظامی حدود ۲۴ هزار سرقت از اماکن خصوصی و بیش از ۱۸ هزار سرقت اماکن دولتی را ثبت کرده که نسبت به سال ۱۳۹۹، به ترتیب ۸/۸ و ۷/۱۱ درصد افزایش داشته است. در آن سال بیش از ۱۱۵ هزار سرقت منزل، ۳۱ هزار سرقت مغازه، بیش از ۷۴ هزار سرقت اتومبیل و بیش از ۸۷ هزار سرقت موتورسیکلت ثبت شده که نسبت به سال قبل از آن - همه آمارها به غیر از آمارهای سرقت اتومبیل - افزایشی بوده‌اند.

رضا مسعودی فر، قائم مقام معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه است. او خردادماه ۱۴۰۱ به تنسیم گفت سال ۱۴۰۰ آمار سرقت‌ها از ۲۰ هزار مورد در سال ۱۳۸۸ که به یک میلیون و ۴۰۰ هزار رسید است. اصغر جهانگیر، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه یک‌ماه بعد از این اظهار نظر، سرقت را مهم‌ترین جرم پنج سال اخیر دانست و گفت سال ۱۴۰۰ حدود ۸۵ هزار پرونده مربوط به سرقت ثبت و بیش از ۳۰ هزار نفر در همین رابطه دستگیر شدند، اما همه پرونده‌ها به نتیجه نرسیده است. او تأکید کرد امروزه ۴۰ درصد سرقت‌ها مربوط به خودرو و لوازم آن است.

■ افزایش ۴۱ درصدی سرقت‌های خرد در سال گذشته

گفته می‌شود اگر تمام دزدی‌هایی را که در کشور رخ می‌دهد ۱۰۰ مورد در نظر بگیریم، حدود ۵۰ مورد آنها سرقت خرد است. این گزاره در میان صحبت‌های بیشتر مسئولان و مقام‌های انتظامی تأیید می‌شود. آنها اغلب عددی بین ۴۰ تا ۵۰ درصد را سهم سرقت‌های خرد از سرقت‌های کل کشوری می‌دانند. سعید منتظرالمهدی، سخنگوی فرا جاسال گذشته آماری درباره میزان سرقت‌ها در کشور را اعلام کرد. او مهر ۱۴۰۲ در نشست خبری هفته فراجا گفت کشفیات سرقت‌های خرد نسبت به مدت مشابه پارسال ۴۱ درصد افزایش پیدا کرده است: «متاسفانه ۵۸ درصد سرقت‌ها مربوط به سرقت‌های خرد است. در این مدت شاهد افزایش ۴۱ درصدی کشفیات

سرقت‌های خرد نسبت به مدت مشابه سال گذشته بودیم. سرقت‌های خرد گرچه مبلغ اندکی دارد، اما آراش روانی و احساس امنیت در جامعه، راتحت تأثیر خود قرار می‌دهد. لذا برخورد با آن جزء اولویت‌های مهم پلیس است.» پیش از او اردیبهشت سال گذشته محمدقنبری، رئیس پلیس آگاهی فراجا آمارهایی از سرقت ارائه کرده بود. آمار او از سهم سرقت‌های خرد، اندکی افزایش پیدا کرده است. قنبری در تشریح عملکرد پلیس آگاهی در سال ۱۴۰۱ تأکید کرد در دو ماه ابتدای اسماال و بعد از شروع طرح ویژه سرقت، حدود ۷۷ هزار و ۶۰۰ پرونده سرقت در سراسر کشور کشف شده‌اند.

■ آمار سرقت‌های خرد بیشتر است

به گفته او در همین بازه زمانی ۶۰۰ گوشی تلفن همراه و ۱۳۰ قطعه لوازم بدکی پیدا شده بود. رئیس پلیس آگاهی فراجا همان زمان تأکید کرد بیش از ۵۷ درصد از مجموع سرقت‌ها در کشور مربوط به سرقت خرد است که اغلب هم معنادان متجاهران آن را مرتکب می‌شوند. مهدی حاجان، سخنگوی پیشین فرماندهی انتظامی کل کشور، ۲۳ اسفند سال ۱۴۰۰ آمار دیگری ارائه کرد: آماری که سهم کمتری برای سرقت‌های خرد در کشور تعیین کرده بود: «در حوزه سرقت ما شاهد افزایش ۱۰ درصدی سرقت‌های خرد در کل کشور هستیم که این موضوع محسوس هم هست. سرقت‌های خرد ۵۲ درصد از کل سرقت‌های سال ۱۴۰۰ بوده‌اند، آمار ارائه شده در کشور تقریبا مشابه با آماری است که برای تهران ارائه می‌شود. همشهری سال ۱۴۰۰ گفت وگویی با علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران داشت. او در این گفت‌وگو تأکید کرد از مجموع تمام سرقت‌های تهران ۵۴ درصد سرقت‌ها خرد هستند؛ «مثل سرقت لوازم و قطعات و محتویات خودرو، کیف‌قاپی و جیب‌بری و انباری زنی که معنادان متجاهران تأثیر زیادی روی اینها دارند».

■ تمایل دزدها به یک برند خاص موبایل

موبایل دزدی اما قصه‌اش متفاوت است. سال ۱۴۰۰ فارس در گزارشی نوشت موبایل قاپی با به صف شدن موتورسواران پلیس کاهش ۲۰ درصدی پیدا کرده است. باین حال علیرضا لطفی، در گفت‌وگو با همشهری اعلام کرد موبایل قاپی به زیر ۱۸ سال رسیده است؛ «۹۰ درصد سرقت قاپی‌نهی‌ها می‌ما در موبایل خلاصه می‌شود.» او گفت افزایش قیمت موبایل، تأثیر زیادی روی سرقت گذاشته است؛ «برند خاصی از موبایل وجود دارد که قیمت آن به ۵۰ میلیون در بازار رسیده و سارقان به آن گرایش پیدا کرده‌اند، از سویی مردم هم موقع استفاده از آن دقت نمی‌کنند.»

مساله اساسی در بیشتر شدن جراثمی مانند زورگیری و سرقت موبایل چند جنبه دارد؛ مهم‌ترین جنبه آن مساله جرم‌انگاری و ضعف قانون در برخورد با این جرائم است.

■ ضعف در قانون یا اجرای قانون، مشکل کجاست؟

حقوق‌دانان معتقدند جراثمی مانند جیب‌بری، قطع طریق یا التواطع سرقت چه حلدی

چه تعزیری؛ کاملاً جرم‌انگاری شده اما بیشترین مساله‌ای که ما با آن برخورد داریم و درواقع مشکل اساسی ما در برخورد با زورگیران و سارقان است، کاهش حبس تعزیری است، یعنی مثلا سرقت ۲۰ میلیون تومان زندان ندارد و اغلب سارقان هم از این ماجرا مطلع هستند. همچنین براساس گزارش‌های دریافت‌شده قضات سعی می‌کنند حتی در جرائم خشن هم فرد به زندان معرفی نشود یا مثلا بایک وثیقه به راحتی از زندان خارج می‌شوند.

علیرضا مروانی وکیل دادگستری در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در این باره گفت: «مشکل اصلی ما کاهش حبس تعزیری است. جرم‌زدایی یک رویه قضایی ثابت است و در کل نظام‌های قضایی جهان ما مساله جرم‌زدایی را داریم، اما بحث کاهش حبس تعزیری یا کاهش جرم تعزیری که لایحه آن سال ۹۹ مصوب شد، متاسفانه به صورت افراطی به موضوع نگاه کرده است. نکته بعدی هم بحث پیشگیری از جرم است. نهادهای پیشگیری از جرم ما بسیار ضعیف عمل می‌کنند. پیشگیری از جرم جنبه‌های مختلف فرهنگی و دادستانی دارد. مثلا ما هم معاونت بانام پیشگیری از وقوع جرم در قوه قضائیه داریم که وظیفه اینها دقیقا انجام کارهایی است که وقوع جرم در جامعه را می‌کاهد. یک امر دیگر حضور مستمر پلیس در جامعه است. مجرم باید ببیند که پلیس در تمام معابر حضور دارد. دوربین‌های پلیس همه جا وجود دارد و واکنش سریع پلیس هم در برابر وقوع جرم نیز مطرح است. تمام این اقدامات پیشگیری است.»

■ قضات سعی می‌کنند افراد به زندان معرفی نشوند

مروانی همچنین ادامه داد: «در قانون به طور دقیق مشخص شده است که در صورت وقوع دزدی از چه سلاخی استفاده شده یا چند نفر بوده‌اند، همه به طور دقیق جرم‌انگاری شده‌اند. اما روش برخورد با این افراد چیست؟ کاهش حبس تعزیری است. فردی که سرقت انجام داده به راحتی می‌تواند یک سند وثیقه بگذارد و از زندان خارج شود. ضعف ما در این است ارغابی که قانون باید برای سارقان ایجاد کند نداریم و ترس از قانون شکسته شده است. مثلا سرقت زیر ۲ میلیون تومان زندان ندارد و سارقان از این مساله خبر دارند. همچنین نوع واکنش قضات نیز معلوم‌لاسی بر این است که فرد به زندان معرفی نشود و این حتی در وقوع جرائم خشن هم مشاهده می‌شود.» مروانی همچنین در ادامه درباره اصلاح رویه گفت: «سرقت و خصوصاکیف‌قاپی به شکل عجیبی افزایش پیدا کرده است. طبق قانون سرقت برای سرقت زیر ۲ میلیون کسی وارد زندان نمی‌شود، یعنی اگر کسی موبایلی زیر ۲ میلیون بزدان نمی‌رود. وقتی فرد از چنین امری مطلع است، دزدی می‌کند. همچنین در ۹۰ درصد مواقع نیز گوشی‌های دست دوم، زیر ۲ میلیون محسوب می‌شوند. بنابراین قانون کاهش حبس تعزیری باید یک بازنگری دقیق شود و بدون شوی تبلیغاتی، حقوق‌دانان باید این قانون را بازبینی کنند و نظر دهند. پلیس وظیفه ذاتی خود را به درستی انجام دهد و نهادهای فرهنگی نیز در کاهش جراثمی از این دست به درستی ظاهر شوند.



فرهیختگان

روز



یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳



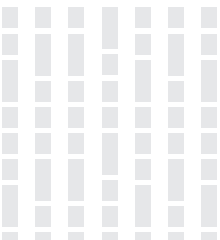
شماره ۴۱۱۲



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY



همچنین مهم‌ترین امر نیز مساله اقتصادی است. تا وقتی که بیکاری کنترل نشود و آمار کاهش پیدا نکند، آمار جراثمی مانند سرقت کاهش پیدا نمی‌کند؛ چراکه آماری از این دست با آمار بیکاری و تورم در ارتباط هستند.»

■ بسیاری از حدود اجرا نمی‌شوند

این وکیل دادگستری همچنین معتقد است مشکل اصلی ما این است که اصل قانون اجرا نمی‌شود. مروانی در توضیح این گزاره اظهار کرد: «بسیاری از حدودی که باید اجرا شوند، اجرایی می‌شوند. مثلا در سرقت‌های حدی شروط چندگانه‌ای که باید اجرا شود، اجرایی می‌شوند. مثل قطع دست. یا مثلا در مساله چاقو آیین نامه‌ای وجود دارد که می‌گوید حمل سلاح سرد، در حکم حمل سلاح گرم بود. این آیین نامه زمان آقای آملی لاریجانی آمد. اگر همه آیین نامه‌ها اجرا شوند یا همه قوانینی که داریم در بحث شدت‌شان و حداکثر جرمی که در نظر گرفته می‌شود برای جرائم خشن یا جراثمی که بازنگری روزمره ما ارتباط دارند اجرا شوند، این جرائم بسیار کاهش پیدا می‌کنند. یکی از مسائلش که ما در قانون‌گذاری به آن توجه داریم این است که بازآزندگی در جامعه ایجاد کند. وقتی قانون ما نتواند در جامعه بازآزندگی ایجاد کند آن شخص دست به جرم می‌زند. ما قوانینی مانند تعدد و تکرار جرم را داریم، یعنی اگر شما چندین بار یک جرم را تکرار کنید و فقط یکبار دستگیر شده باشید تنها مجازات جرم اشد اعمال می‌شود. این هم به نفع سارق است، یعنی ۱۰ تا سرقت انجام داده، چندبار کیف‌قاپی و زورگیری داشته، همه جمع می‌شود و می‌گویند ۳۰ سال زندان شده است. اما جرم اشد آن سه سال است. یا اینکه این سه سال، با یک دوم جمع می‌شود و فرد نهایتا پنج سال باید زندان بکشد، یعنی جرم اشد به اضافه یک دوم مجازات آن می‌شود.»

■ وجه بازآزندگی قانون خدشه دار شده است

کل مشکلات ما در قانون سرقت کاهش حبس تعزیری و در اصل ضعف اجرای قانون است، چه بخواهیم این را بپذیریم چه نخواهیم ما این واقعیت وجود دارد که قوانین موجود و البته شکل اجرای قوانین در مساله سرقت، بازآزندگی کافی ندارد. از آن سمت ما اجرا رقدر جراثمی مانند اتفاق اتوبان صدر در جامعه تکرار شود باعث تضعیف نهاد قانونگذار و البته متولیان امنیت داخلی کشور شده و امنیت عمومی در جامعه خدشه دار خواهد شد. استفاده راحت از سلاح‌های سرد مانند قمه در انظار عمومی، سرقت موبایل وسط خیابان و در روز روشن و تکرار این جرائم چیزی به جز تضعیف امنیت عمومی و القای احساس ناامنی به شهروندان را در پی نخواهد داشت. راه حل اصلی جلوگیری از تکرار حوادث و اتفاقاتی مانند اتفاق اتوبان صدر، پر کردن خلأهای قانونی است. تا وقتی که سارقان با مجازات جدی سرقت روبه‌رو نشوند باید منتظر تکرار چنین حادثه‌ای باشیم. در وهله اول باید بپذیریم قبح دزدی زمانی شکسته شد که قانون برخورد با سرقت به شکل بازآزنده در جامعه ظاهر نشد و سارقان قانون را جدی نگرفتند.

